

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه .....
۶	فصل اول: مفاهیم بنیادین مربوط به وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی.....
۹	گفتار اول : مفهوم وقف و شرایط آن .....
۱۱	گفتار دوم . شرایط عقد وقف.....
۱۸	گفتار سوم . ساختار کلان دانشگاه آزاد اسلامی و ماهیت حقوقی اموال آن .....
۲۳	گفتار چهارم . انواع مال و بررسی امکان وقف آن .....
۳۲	گفتار پنجم . مفهوم شخص حقوقی و انواع آن .....
۴۱	گفتار ششم . بررسی وقف اموال شخص حقوقی .....
۴۷	گفتار هفتم . آثار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی وقف .....
۵۵	فصل دوم . بررسی دلایل موافقین طرح وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی.....
۵۸	گفتار اول . ماهیت خصوصی اموال دانشگاه آزاد اسلامی.....
۶۵	گفتار دوم . تحقق شرایط صحت وقف .....
۷۵	گفتار سوم . دلیل قانون خاص .....
۷۹	فصل سوم . بررسی دلایل مخالفین وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی.....

- گفتار اول . عدم اهلیت واقفان اموال دانشگاه آزاد اسلامی..... ۸۲
- گفتار دوم . عدم مالکیت واقفان اموال دانشگاه آزاد اسلامی..... ۸۷
- گفتار سوم . ایرادات مربوط به دلیل قانون خاص ..... ۸۹
- گفتار چهارم . نقش نهاد های نظارتی بر طرح وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی ۹۵
- گفتار پنجم . منبطل بودن وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی..... ۱۰۴
- نتیجه گیری ..... ۱۱۶
- \*منابع ..... ۱۲۰

## مقدمه

هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۴ پس از بررسی همه جانبه کارشناسان<sup>۱</sup> و حقوقدانان، بهترین گزینه برای حراست از اموال و دارایی های دانشگاه آزاد در زمینه تعمیق آموزش، پژوهش، فناوری در داخل و خارج از کشور را استفاده از نهاد وقف تشخیص دادند و با بررسی های حقوقی و کارشناسی صورت گرفته پس از تهیه و تصویب وقف نامه ای جامع، با توجه به مفاد اساس نامه دانشگاه آزاد اسلامی، به اتفاق آراء و به عنوان واقف، با انشاء و امضاء صیغه شرعی وقف، کلیه اموال غیرمنقول اعم از مشاع یا مفروز و دارائی های منقول بادوام، حقوق امتیازات سهام و تمامی اجزاء، توابع و متعلقات مربوط به دانشگاه آزاد اسلامی، شامل کلیه واحدها، مراکز سازمان سماء و سایر موسسات وابسته موجود در کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها را وقف شرعی موبد عام و حبس مخلد اسلامی نمود تا از درآمد حاصله از آنها برابر مفاد مندرج در وقف نامه استفاده و یا به مصرف برسد. در همین راستا مسئولین دانشگاه آزاد، جهت توجیه وقف اموال از موافقت ولی فقیه از این تصمیم خبر دادند<sup>۲</sup> و اعلام کردند، فقط متولیان حق دارند تمامی فعالیت های مربوط به اداره و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی را به انجام برسانند و به طور کلی اداره موقوفات منحصرًا تابع مفاد وقف نامه و اصول و قواعد معتبر فقهی خواهد بود.

هدف و انگیزه اصلی این پژوهش آن است که بتواند فارغ از مسایل سیاسی، پاسخی مناسب برای وقف اموال بزرگترین دانشگاه جهان یعنی دانشگاه آزاد اسلامی پیدا کند و درصدد بررسی این امر است که چگونه ممکن است این نهاد آموزشی بتواند صرف تصمیم هیات موسس که نیازمند تصریح در اساس نامه است، وقف شود.<sup>۳</sup> بنابراین انگیزه دیگری که در این رساله دنبال

<sup>۱</sup>. چهار مجتهد عضو هیات مؤسس یعنی حضرات آیات و حجج الاسلام والمسلمین موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، سید حسن خمینی، قمی و همچنین آیت الله بجنوردی به عنوان ناظر، بر شرعی بودن وقف صحه گذاشتند، وب سایت

www.hashemi.ir، تاریخ رویت: ۱۳۸۸/۸/۲۶

<sup>۲</sup>. سایت اختصاصی ایت... هاشمی رفسنجانی، www.hashemi.ir، تاریخ رویت: ۱۳۸۸/۸/۲۶

<sup>۳</sup>. امیر خانی، رضا، وقف موسسات غیر دولتی، مجله کانون وکلای دادگستری، ش ۵، ۱۳۸۹

می شود آن است که پذیرش وقف دانشگاه آزاد به همین روش و صرف تصمیم و تصویب هیات موسس به معنای آن است که همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و غیر آموزشی که تحت نظر نهادهای رسمی کشور ولی به صورت هیات امنایی اداره می‌شوند، اجازه دارند خارج از اداره و تصویب نهاد رسمی نظارتی متبوع، راسا نسبت به وقف مؤسسات خود اقدام و ضوابط و مقررات و اساسنامه حاکم بر خود را نادیده بگیرند که این روش معادل هرج و مرج و بی ضابطگی است و پذیرفته نیست و به چالش کشیدن این مسیله کمک موثری به رفع این مشکلات حقوقی می‌کند.

در مورد موضوع وقف به صورت کلی، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است و در کتابهای فقهی<sup>۱</sup> به این مسیله پرداخته شده است، اما پژوهش حاضر به صورت اختصاصی به مسیله وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته است و موضوعی است که هرچند افراد حقوقدان و غیر حقوقدان در خصوص آن نظراتی داده اند که بیشتر مبتنی بر موضع گیری های سیاسی بوده است اما به صورتی که بتوانند از نظر حقوقی و فقهی صحت یا عدم صحت وقف اموال دانشگاه آزاد را اثبات کنند و پایان نامه ای به این شکل تنظیم کنند نبوده است. لذا در این پژوهش سعی شده تا فارغ از مسایل سیاسی و تنها از دیدگاه حقوقی و فقهی در خصوص شرایط وقف اموال دانشگاه آزاد پرداخته شود.

سوال اصلی این است که براساس ماده ۵۷ قانون مدنی، واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند و به علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است. آیا هیات محترم موسس دانشگاه آزاد به عنوان مالک دانشگاه آزاد اسلامی محسوب می‌شوند و آیا اهلیت وقف کردن چنین اموالی را دارند یا خیر؟

در کنار سوال اصلی، یک سری سوالات فرعی هم مطرح می‌شود که عبارتند از این که آیا امکان وقف اموال شخص حقوقی وجود دارد یا خیر؟ در صورت امکان وقف اموال شخص

۱. دادمزئی، سید مهدی، فقه استدلالی، انتشارات طه، چاپ ۴، ۱۳۸۵

حقوقی در قیاس با دانشگاه آزاد، آیا اموال شخص حقوقی دانشگاه آزاد را می توان وقف کرد؟ ماهیت اموال دانشگاه آزاد از حیث عمومی، دولتی یا خصوصی بودن چیست؟ آیا وقف اموال دانشگاه آزاد با اساس نامه هماهنگی دارد یا خیر؟ آیا امکان اعمال شرایط صحت وقف در خصوص اموال دانشگاه آزاد وجود دارد یا خیر؟ آیا صورت ریز و دقیق اموالی که وقف شده مشخص می باشد یا آنکه وقف به صورت کلی واقع شده؟ آیا با وقف کردن اموال دانشگاه آزاد، این مرکز از حیطه نظارتی وزارت علوم و آموزش عالی خارج و در شمول قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج، اوقاف و امور خیریه مصوبه ۱۳۶۳ قرار می دهد؟

فرضیه اصلی پایان نامه مبتنی بر آن است که وقف اموال دانشگاه آزاد از لحاظ عدم صلاحیت هیأت موسس در انشاء وقف به دلیل رعایت نکردن مفاد ماده ۵۷ قانون مدنی در مورد شرایط واقف، از لحاظ عدم اهلیت واقف در اساس نامه و عدم مالکیت هیأت موسس بر عین اموال دانشگاه آزاد و از لحاظ مشکل اساسی تحقق قبول مقام ذیصلاح<sup>۱</sup> و خروج این نهاد آموزشی از حیطه نظارتی شورای عالی انقلاب فرهنگی دارای اشکالات حقوقی است، لذا وقف مزبور فاقد وجاهت قانونی و حقوقی می باشد. در فرضیه مقابل، به دلایل افرادی که قایل به صحت وقف اموال دانشگاه آزاد هستند از نظر کفایت مالکیت بر تصرف برای واقف و به لحاظ آنکه اگر اموال دولتی در اموال دانشگاه آزاد باشد مشمول وقف نمی شود، توجه شده است.

نگارش این پایان نامه با توجه به فرضیه موجود می تواند کمک قابل توجهی به غنی سازی ادبیات حقوقی کند. ادبیاتی که در مواجهه با این موضوع رنگ و بوی سیاسی به خودش گرفته است. پس می توان با ارائه راه حل مناسب اقدام به ختم مسایل موجود کرد.

با توجه به ارتباط موضوع وقف اموال دانشگاه آزاد با حقوق و فقه، از روش کتابخانه ای و اسنادی برای این تحقیق استفاده شده است. به این صورت که با مراجعه به کتاب های حقوقی و فقهی که در زمینه شرایط کلی وقف وجود دارد و مقالاتی که در ارتباط با وقف اموال شخص

<sup>۱</sup> ماده ۱۰ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳

حقوقی و اموال دانشگاه آزاد به صورت خاص پرداخته اند، نسبت به یادداشت برداری از مطالب مهم اقدام شد و در پژوهش حاضر به آن استناد گردید.

دشواری ها و موانع پیش روی این پژوهش، شامل عدم امکان مصاحبه با اعضای هیات موسس به عنوان واقفان اموال دانشگاه آزاد، حضور نداشتن سردفتر اسناد رسمی در سمت خود به عنوان تنها مرجعی که می توانست در غنای این پژوهش با توجه به اسناد موجود در زمینه وقف اموال دانشگاه آزاد کمک کند<sup>۱</sup> و عدم همکاری مسئولین سازمان اوقاف و امور خیریه و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد ارائه اسناد مربوط به عدم صحت وقف اموال دانشگاه آزاد می باشد.

مطالب مربوط به وقف اموال دانشگاه آزاد در سه فصل مطرح می شوند که عبارتند از:

۱- مفاهیم بنیادین در ارتباط با وقف اموال دانشگاه آزاد

۲- بررسی دلایل موافقین وقف دانشگاه آزاد

۳- بررسی دلایل مخالفین وقف دانشگاه آزاد

در فصل اول به مسیله وقف به صورت کلی پرداخته شده که شامل تعریف وقف و شرایط صحت آن است تا خواننده با شرایط کلی وقف آشنا شود و سپس به ماهیت حقوقی اموال دانشگاه آزاد و تقسیم بندی آن از حیث خصوصی یا عمومی پرداخته شده است و در آخر امکان وقف شخص حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم به شرح دلایل موافقان وقف اموال دانشگاه آزاد تحت عنوان ماهیت خصوصی اموال دانشگاه آزاد اسلامی، تحقق شرایط صحت وقف و دلیل قانون خاص پرداخته شده است که فرضیه دوم این پژوهش را تشکیل می دهد و در فصل سوم دلایل مخالفان وقف اموال دانشگاه آزاد تحت عنوان عدم اهلیت و عدم مالکیت واقفان

<sup>۱</sup> طبق گفته واقفان اموال دانشگاه آزاد، سند مادر وقف اموال دانشگاه آزاد و ده ها سند دیگر در زمینه وقف دانشگاه آزاد به ثبت رسیده است. پس از بررسی های به عمل آمده مشخص شد که محل ثبت اسناد وقف دانشگاه آزاد، دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۹۰۱ شهر تهران به سردفتری آقای علم الهدی بوده است که پس از این مورد از سمت خود معزول شده و برای آن دفتر خانه کفیل تعیین شده است.

اموال دانشگاه آزاد اسلامی، ایرادات مربوط به دلیل قانون خاص و نقش نهاد های نظارتی مورد بررسی قرار گرفته است که مبتنی بر عدم صحت وقف اموال دانشگاه آزاد است و فرضیه اصلی این پژوهش را تشکیل می دهد و نتیجه گیری این رساله نیز مبتنی بر عدم صحت وقف اموال دانشگاه آزاد است.

## فصل اول:

مفاهیم بنیادین مربوط به وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی



موضوع وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی با اصرار مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی، توجه مردم و جامعه حقوقی کشور را به خود جلب کرد. رئیس هیأت امانا و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، به همراه دیگر مسئولان دانشگاه، بر وقف اموال دانشگاه آزاد اصرار داشتند و در شهریور سال ۸۸ اعلام کردند که صیغه وقف دانشگاه آزاد را خوانده‌اند.<sup>۱</sup>

در همین راستا، مسئولین دانشگاه آزاد جهت توجیه وقف اموال دانشگاه از موافقت مقام رهبری از تصمیم آنها خبر دادند و ریاست هیأت امانا دانشگاه آزاد در یک سخنرانی صحت وقف اموال و دارایی‌های دانشگاه آزاد اسلامی را تایید کرد<sup>۲</sup> و در خصوص وقف به چند مورد اشاره کرد که عبارتند از:

۱- در صورتی که اموال عمومی در اموال دانشگاه آزاد باشد، مشمول وقف نمی‌شود همانند: کمک نقدی امام خمینی (ره) در ابتدای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی.

۲- چهار مجتهد عضو هیأت موسس به عنوان ناظر بر شرعی بودن وقف دانشگاه آزاد صحه گذاشتند.<sup>۳</sup>

۳- نظر فقهی مقام رهبری در این زمینه اخذ شده است.

در اساس‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی محل تأمین هزینه‌های دانشگاه آزاد، اخذ شهریه از دانشجویان، کمک‌های مردمی و دولت ذکر شده است. اولین فردی که به دانشگاه آزاد کمک

---

۱. سایت اختصاصی ایت ا... هاشمی رفسنجانی، [www.hashemi.ir](http://www.hashemi.ir)، تاریخ رویت: ۱۳۸۸/۸/۲۶  
۲. سخنرانی آقای رفسنجانی، رئیس هیأت امانای دانشگاه آزاد اسلامی در دانشگاه بابل، ۱۳۸۹، روزنامه آفرینش، آرشیو، ش ۱۴۵۳، تاریخ رویت: ۱۳۸۹/۳/۲۰  
۳. چهار مجتهد عضو هیأت مؤسس، یعنی حضرات آیات و حجج الاسلام والمسلمین موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، سید حسن خمینی قمی و همچنین آیت‌الله بجنوردی به‌عنوان ناظر، بر شرعی بودن وقف صحه گذاشتند.

مالی کرد، امام خمینی (ره) بود که مبلغ یک میلیون تومان به این دانشگاه در بدو تأسیس کمک کردند و مجدداً کمکی به ارزش پانزده میلیون تومان از طرف دادستانی وقت انقلاب دریافت کرده و به عنوان موسسه‌ای غیر تجاری به شماره ثبت ۲۴۵۱ در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسید.<sup>۱</sup>

از آنجا که وقف نهادی مقدس در فقه اسلامی و از مقوله عقودی است که با قصد قربت همراه است و نباید از این که شخص حقوقی، خود را وقف عام یا خاص نماید بیم داشت<sup>۲</sup>، به نظر می‌رسد اموال دانشگاه آزاد یا هر شخص حقوق خصوصی دیگر می‌تواند وقف شود، و همان‌طور که رئیس هیأت امناء نیز به آن اشاره کردند می‌توان قایل بر این نظر شد که آن قسمت از اموال دولتی که داخل در دانشگاه آزاد است مشمول وقف نمی‌شود، بلکه آن قسمت از دارایی و اموال دانشگاه آزاد که از محل شهریه‌هایی که از دانشجویان دریافت نموده است مشمول وقف می‌شود<sup>۳</sup>، چرا که این اموال متعلق به شخص حقوقی دانشگاه است و بر اساس وجود اعتباری شخص حقوقی این امر میسر است. ولی یاد آوری این نکته نیز ضروری است که مسئولان دانشگاه آزاد، به صورت کلی سخن از وقف اموال دانشگاه آزاد می‌زنند، در صورتی که در شرایط کلی وقف، مال موقوفه باید معین و مشخص باشد و همین موضوع یکی از موانع صحت وقف اموال دانشگاه آزاد است.

در ادامه بحث در مبحث اول، به بررسی مفهوم و شرایط وقف و در مبحث دوم به ماهیت حقوقی و ساختار دانشگاه آزاد اسلامی و در مبحث سوم به بررسی انواع اموال و امکان وقف آنها و در مبحث آخر نیز به بررسی مفهوم مشخص حقوقی و امکان وقف اموال آن می‌پردازیم.

---

۱. تاریخچه تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، وب سایت [www.azmoon.org](http://www.azmoon.org)، تاریخ رویت: ۱۳۸۸/۸/۲۰  
۲. عباسی، محمد، وقف اموال موسسات خصوصی، مجله کانون وکلای دادگستری، ش ۱۷، سال ۱۳۸۷  
۳. سایت اختصاصی آیت ا... هاشمی رفسنجانی، [www.hashemi.ir](http://www.hashemi.ir)، ۱۳۸۸/۸/۲۶

## گفتار اول : مفهوم و شرایط وقف

در این گفتار، ابتدا تعریف مفهوم لغوی و اصطلاحی وقف مورد بررسی قرار گرفته و سپس به انواع وقف و شرایط واقف، موقوف، موقوف علیه و شرایط وقف پرداخته می شود.

### الف : تعریف وقف

وقف در لغت به معنای ایستادن، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است<sup>۱</sup>. قانون مدنی، بسیاری از مباحث را از فقه اقتباس کرده است. یکی از آنها وقف است. مقنن در ماده ۵۵ قانون مدنی مقرر می دارد: وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. اگر به ریشه یابی تعریف فوق بپردازیم، خواهیم دید که این تعریف ترجمه حدیث نبوی «احبس اصلها و سبل ثمرها» می باشد<sup>۲</sup>، وقف در اصطلاح فقهی عبارت است از حبس نمودن عین ملک و مصرف کردن منافع آن در راه خدا، وقف نگه داشتن اصل ملک و جاری ساختن منفعت است<sup>۳</sup>. تحبیس از ماده حبس به معنای سلب آزادی است. واضح است که با وقف شدن ملک، آزادی نقل و انتقال از آن گرفته می شود<sup>۴</sup>.

### ب : انواع وقف

وقف به دو دسته تقسیم می شود، دسته اول دارای سه حالت است:

۱- وقف در جهت مصالح عامه : مانند روشنایی مساجد و معابر و مشروب نمودن خانه

و غیره.

---

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر میزان، چاپ ۱۰، ۱۳۸۶  
۲. عبدالکبیری، محمد، احکام الوقف فی شریعت الاسلام، ج ۲، انتشارات مازندرانی، چاپ ۲، ۱۳۷۰  
۳. مدرس امینیان، محمد، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۸  
۴. زراعت، عباس، خود آموز مکاسب، نشر بهاران، چاپ ۱، ۱۳۸۸

۲- وقف برای عناوین کلی : وقف بر افراد نامحدود ، مانند همه بیماران در هر زمان و یا همه طلاب و دانشجویان<sup>۱</sup>.

۳- وقف برای افراد خاص : مثلاً وقف خاص را به وقف بر شخص یا اشخاص موجود، مانند فرزندان بلاواسطه موجود واقف، یا طلاب و دانشجویان موجود در محل معین، یا بیماران موجود در بیمارستانی خاص و نظائر آن تقسیم کرده‌اند.

با کمی دقت در این مثال ها معلوم می‌شود که افراد و مصادیق مذکور، حقیقت وقف هستند نه اقسام آن و تنها مصداق موقوف علیهم متفاوت شده است، نه اینکه حقیقت وقف اقسامی داشته باشد و هر کدام از اقسام آن یک وجه اشتراک و یک وجه امتیازی داشته باشند<sup>۲</sup>.

در تقسیم بندی دیگر، وقف به دو صورت وقف انتفاع و وقف منفعت تقسیم می شود. اگر نظر واقف از وقف تحصیل درآمد مادی نباشد، آن را وقف انتفاع گویند مانند : احداث مسجد در زمین ملکی خود و یا زمین موات<sup>۳</sup>.

اگر نظر واقف از وقف، تحصیل درآمد و هزینه آن برای مصارف مشخصی باشد، آن را وقف منفعت می نامند، مانند وقف دکان برای حفظ و اداره مسجد یا مدرسه<sup>۴</sup>.

حقیقت وقف، حبس اصل مال و اطلاق منافع آن است. تمام مثال های یاد شده از تمام جهات در این حقیقت با هم مشترک‌اند که تمام حقیقت آنها همان حبس عین مال و اطلاق منافع آن است<sup>۵</sup>. بنابراین، نباید مصادیق یک حقیقت را اقسام آن به شمار آورد و برای هر کدام هویتی جداگانه معلوم کرد.

۱. جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوق ، نشر میزان ، چاپ ۱۰ ، ۱۳۸۶  
۲. حسینی نیک، عباس ، مباحث حقوقی لمعة دمشقیة ، انتشارات مجد ، چاپ ۱ ، ۱۳۸۸  
۳. امینی، علیرضا ، ترجمه لمعه دمشقیه ، انتشارات سمت ، ۲ ج ، چاپ ۸ ، ۱۳۸۴  
۴. امامی ، سید حسن ، حقوق مدنی ، جلد اول ، انتشارات اسلامیة ، چاپ هفتم ، ۱۳۶۳  
۵. کاتوزیان ، ناصر ، اموال و مالکیت ، نشر میزان ، چاپ ۴ ، ۱۳۷۶

## گفتار دوم : شرایط عقد وقف

چهار شرط برای حجت وقف وجود دارد<sup>۱</sup> :

۱. دوام وقف : یعنی وقف باید ابدی باشد نه اینکه موقت باشد، در نتیجه هر گاه موقوفه را برای مدت معینی وقف نمایند، آن وقف باطل است و در صورتیکه واقف در مقام انشاء وقف، نظر بمدت معینی نداشته باشد و منظور او اجراء وقف باشد، بدون آنکه ذکر مدتی نماید، آن وقف صحیح تلقی می شود و بعضی از فقهاء از جمله محمد کاظم یزدی<sup>۲</sup>، وقف با ذکر مدت را باطل دانسته اند و به قاعده «انما الاعمال بالنیات» استدلال کرده اند و می گویند چون قصد واقف دوام وقف نیست از این جهت چنین وقفی باطل است.

۲. تنجیز و وقف : یعنی در موقع انشاء صیغه وقف ، واقف نمی تواند وقفیت ملک خود را معلق به شرائطی قرار دهد، ولو اینکه شرط مذکور متیقن الحصول باشد، فلذا آن وقف صحیح نیست<sup>۳</sup>. زیرا در موقع انشاء وقف به نحو تعلیق، عبارتی که دلیل بر وقفیت منجز ملک باشد ذکر نشده است، بلکه وقفیت را مشروط قرار داده و فرض آن است که در آمدن حصول شرط، انشاء وقف دیگری نشده است از این جهت وقف به عمل نیامده و ملک، کما کان به ملکیت واقف مذکور باقی است.

۳. به تصرف دادن یا مسلط کردن موقوف علیه بر موقوفه و برداشتن تسلط خود از آن : به این معنی که واقف سلطه خود را از مال موقوفه برداشته و در اختیار موقوف علیه قرار دهد. به عبارت دیگر، هیچ گونه دخل و تصرفی در اموال موقوف علیه نداشته باشد<sup>۴</sup>.

۴. از خود بیرون کردن، یا بر خود وقف نکردن : هر گاه واقف ، ملک خود را وقف بر خود قرار دهد، وقف باطل است و هم چنین است هر گاه کسی ملکی را وقف بر شخصی نماید و در

۱. حجازیان ، محسن ، جایگاه وقف در حقوق ایران ، وقف میراث جاویدان ، ش ۲۵ ، ۱۳۷۱

۲. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، عروه الوثقی، جلد ۲، نشر دآوری ، ۱۳۴۸

۳. موسوی ، رضا ، ملاحظاتی پیرامون وقف در حقوق موضوعه ، مجله کانون وکلای دادگستری ، ش ۱۲ ، ۱۳۷۹

۴. انصاری، شیخ مرتضی ، مکاسب ، ج ۲ ، انتشارات اسماعیلیان ، چاپ ۴ ، ۱۳۷۶

ضمن عقد وقف شرط کند که خود واقف در صورت احتیاج، حق استفاده از وقف را داشته باشد و وقف به واسطه اشتراط واقف باطل است<sup>۱</sup>. ماده ۷۲ قانون مدنی در مورد وقف بر نفس مقرر می دارد: وقف بر نفس به این معنی که واقف خود را موقوف علیه یا جزو موقوف علیهم نماید یا پرداخت دیون و سایر مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهد باطل است، اعم از این که راجع به حال حیات باشد یا بعد از فوت.

### الف : شرایط واقف

واقف باید واجد اهلیت قانونی باشد. اهلیت شرعی و قانونی عبارت است از : بلوغ ، عقل ، قصد و رضا. این خصوصیات، شرایط عام هر عقد و ایقاع و عهد است<sup>۲</sup>. اهلیت داشتن واقف را قانون مدنی در ماده ۵۷ مقرر می دارد ، مالک باید مالک مالی باشد که وقف می کند و به علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است و در مواد ۲۱۰ و ۲۱۳ قانون مدنی، اهلیت را چنین بیان می کند:

ماده ۲۱۰ قانون مدنی : متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند.

ماده ۲۱۳ قانون مدنی : معامله محجورین نافذ نیست.

علاوه بر اهلیت واقف ، مالک عین موقوفه بودن واقف در ماده یاد شده لازم است. نباید تصور شود که اگر مالکیت واقف شرط باشد ، وقف فضولی صحیح نیست. از نظر قانون مدنی، نمی توان صحت نداشتن وقف فضولی را استنباط کرد، زیرا ظاهر ماده ۵۷ و ۶۵ قانون مدنی، نفوذ نداشتن وقف فضولی است<sup>۳</sup>؛ مانند بیع فضولی که درست است و غیرنافذ و با اجازه مالک نافذ می شود. بنابراین در بیع، قانون مدنی یکی از شرایط بائع را مالکیت مبیع می داند، ولی فقدان این شرط دلیل واقع نشدن بیع نیست و تنها نفوذ نداشتن بیع را می رساند که با اجازه

۱. موسوی بهبهانی ، سید علی ، ملاحظاتی پیرامون وقف از نظر فقه و قانون مدنی ، وقف میراث جاویدان ، ش ۳ ، ۱۳۷۳

۲. امینی ، مرتضی ، نقش وقف در اسلام ، وقف میراث جاویدان ، ش ۶ ، سال ۱۳۶۶

۳. مهدوی ، ابراهیم ، وقف ، مجله کانون وکلای دادگستری ، ش ۳ ، ۱۳۸۴

مالک نافذ می‌شود<sup>۱</sup>. بنابراین، قانون گذار معاملات فضولی را به تمام اقسام آن صحیح دانسته است و وقف فضولی نیز جائز است و نافذ بودن آن معلق بر اجازه مالک می‌باشد<sup>۲</sup> و اگر واقف در یک عقد، مملوک و غیرمملوک را وقف کرد، نسبت به آنچه مملوک او نبوده، صحت آن منوط به اجازه مالک است و اگر مالک قسمت فضولی اجازه نداد، وقف نسبت به آن باطل است<sup>۳</sup>.

ممکن است ایراد گرفته شود، چگونه ممکن است قسمتی از یک عقد صحیح و قسمت دیگر باطل باشد، چون یک عقد قابل تجزیه نیست. زیرا عقد واحد به اعتبار تعدد اموال مورد وقف متعدد می‌شود؛ یعنی یک عقد اگر شامل چند مورد باشد به عقود متعدد و مستقل منحل می‌شود، نه اینکه یک عقد بسیط تجزیه گردد<sup>۴</sup>؛ به عبارت دیگر میان اجزای یک امر با افراد یک حقیقت تفاوت وجود دارد. در این جا مورد بحث از نوع دوم است، یعنی چون موارد متعدد است، به تعداد موارد، وقف متعدد می‌شود و بعضی افراد عقود صحیح و بعضی دیگر باطل است.

### ب : شرایط موقوف علیه

در تعریف موقوف علیه می‌توان گفت : کسی است که حق استفاده از منافع موقوفه با ضوابط معین به او واگذار شده است<sup>۵</sup>. موقوف علیه باید واجد سه شرط باشد :

۱. موجود باشد : مقصود از اینکه موقوف علیه وجود داشته باشد این است که در حین عقد موجود باشد. بنابراین وقف بر معدوم ابتدائاً صحیح نیست؛ مثلاً وقف بر کسی که بعدها متولد شود یا کسی که در حین عقد فوت کرده بود، درست نیست، اما وقف بر معدوم به تبع موجود صحیح است، البته به شرط آنکه معدوم در سلسله نسب، در طول موجود باشد نه در عرض

۴. بروجردی، محمد، حقوق مدنی، انتشارات علمی، چاپ ۱۳، ۱۳۸۰  
۵. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ ۱۴، ۱۳۸۵  
۶. حجازیان، محسن، جایگاه وقف در حقوق ایران، وقف میراث جاویدان، ش ۲۵، ۱۳۷۱  
۷. حسینی نیک، عباس، مباحث حقوقی لمعة دمشقیة، انتشارات مجد، چاپ ۱، ۱۳۸۸  
۸. مدرس امینیان، محمد، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۸

آن<sup>۱</sup>، مثلاً وقف بر کسی که موجود است و بر اولاد وی که بعد وجود پیدا می کنند و هرچه پایین رود صحیح است؛ چون در طول هم قرار دارند، ولی وقف کردن بر کسی که موجود است و برادر و خواهر او که حین العقد وجود ندارند، نسبت به آنکه موجود نبوده باطل است و در حق آنکه موجود بوده صحیح است؛ زیرا برادر و خواهر در عرض هم قرار دارند و تابع هم نیستند.

مطلب دیگر اینکه، شرط موجود بودن موقوف علیه هم در وقف عام و هم وقف خاص معتبر است، مثلاً اگر واقف بر دانشجویان و یا طلاب شهری معین، مالی را وقف کند که حین وقف، آن شهر نه طالب علمی داشته باشد و نه دانشجویی، آن وقف باطل است.<sup>۲</sup>

۲. معین باشد : مقصود از این شرط آن است که موقوف علیه مبهم نباشد و اسم و وصف و خصوصیات او صریح ذکر شده باشد به نحوی که تشخیص آن ممکن باشد.<sup>۳</sup> بنابراین، وقف بر یکی از دو نفر بدون مشخص کردن فرد مورد نظر یا وقف بر یکی از مساجد و یا معابر بدون تعیین کردن آن باطل است.<sup>۴</sup> دلیل بطلان را چنین گفته اند که تملیک به غیرمعین و مجهول امکان ندارد. ماده ۷۱ قانون مدنی نیز مقرر می دارد: وقف بر مجهول صحیح نیست.

۳- اهلیت تملک داشته باشد : موقوف علیه باید بتواند قانوناً و شرعاً تملک نماید. در واقع این شرط عقلی است؛ زیرا عقلاً کسی که نتواند تملک کند، به هر دلیل، به حکم عقل ممکن نیست مالی را به او تملیک نمود.

---

۱. عدل ، مصطفی ، حقوق مدنی ، نشر گلشن ، چاپ ۴ ، ۱۳۵۴  
۱. کاتوزیان ، ناصر ، اموال و مالکیت ، نشر میزان ، چاپ ۴ ، ۱۳۷۶  
۲. بروجردی ، محمد ، حقوق مدنی ، انتشارات علمی ، چاپ ۱۳ ، ۱۳۸۰  
۴. مدرس امینیان ، محمد ، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین ، انتشارات سمت ، چاپ ۱ ، ۱۳۸۸



### ج : شرایط عین موقوفه

مورد وقف یا عین موقوفه باید مالی باشد که با بقای عین بتوان از آن منتفع گشت<sup>۱</sup>. به عبارت دیگر، عین موقوفه باید واجد چهار شرط باشد:

۱. عین باشد نه دین یا منفعت : منظور از اینکه مورد وقف باید عین باشد، آن است که دین یا حق انتفاع را نمی توان وقف کرد؛ زیرا از دین نمی توان استفاده کرد و حق انتفاع هم با استفاده از آن باقی نمی ماند.<sup>۲</sup>

۲. ملک واقف باشد نه ملک غیر : مقصود از اینکه مورد وقف ملک واقف باشد این نیست که وقف فضولی صحیح نیست، بلکه صحت و نفوذ آن، منوط به اجازه مالک اصلی مال است.<sup>۳</sup> باید توجه داشت که، مالک نمی تواند اموالی را که متعلق حق طلبکاران است را نمی توان وقف کرد، در رهن است یا اموال شخص مفلس که متعلق حق طلبکاران است را نمی توان وقف کرد، زیرا موجب تضییع حق طلبکاران و مرتهن می شود.<sup>۴</sup> به همین دلیل قانون مدنی در ماده ۶۵ مقرر می دارد: صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده است ، منوط به اجازه دیان است.

۳. با بقای عین بتوان از آن انتفاع برد: قاعده و ضابطه در مورد مال وقف آن است که مالی باشد که با بقای عین بتوان از منافع مشروع و قانونی آن استفاده کرد.<sup>۵</sup> ماده ۵۸ قانون مدنی مقرر می دارد: فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد اعم از این که منقول باشد یا غیر منقول، مشاع یا مفروز باشد.

---

۴. دادمرزی، سید مهدی ، فقه استدلالی ، انتشارات طه ، چاپ ۴ ، ۱۳۸۵  
۱. زراعت، عباس ، خود آموز مکاسب ، نشر بهاران ، چاپ ۱ ، ۱۳۸۸  
۳. عبدالکبیری، محمد ، احکام الوقف فی شریعة الاسلام ، ج ۲ ، انتشارات مازندرانی ، چاپ ۲ ، ۱۳۷۰  
۳. کاتوزیان ، ناصر ، اموال و مالکیت ، نشر میزان ، چاپ ۴ ، ۱۳۷۶  
۴. جنتی ، سعید ، وقف از دیدگاه مبانی اسلامی ، وقف میراث جاویدان ، ش ۵ ، سال ۱۳۷۳

بنابراین وقف دین و منفعت، به لحاظ این که توان پایداری در برابر انتفاع را ندارند باطل است.<sup>۱</sup>

۴- به قبض دادن آن ممکن باشد : مقصود از اینکه امکان به قبض دادن آن باشد این است که مال غیرقابل قبض را نمی توان وقف کرد، خواه طبیعت مال چنین باشد که نتوان آن را قبض کرد، مانند دین و منفعت یا بر اثر حوادثی امکان به قبض دادن آن نباشد ، اما در صورتی که موقوف علیه بتواند آن را قبض کند، هر چند واقف قادر به اقباض نباشد، وقف صحیح است و چنانچه مال در تصرف موقوف علیه ولو غاصبانه باشد، همان تصرف به عنوان قبض کفایت می کند و به همین اندازه که واقف قصد کند که به عنوان وقف در تصرف او باشد، قبض حاصل می شود؛ هر چند خود غاصب نداند و یا قصد آن را نکند نیز ممکن است.<sup>۲</sup> ماده ۶۷ قانون مدنی نیز مقرر می دارد: مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست ، وقف آن باطل است لیکن ، اگر واقف تنها قادر به اخذ و اقباض آن نباشد و موقوف علیه قادر به اخذ آن باشد ، صحیح است.

#### د : سایر شرایط

در این قسمت به بررسی سایر شرایط وقف پرداخته می شود که در قسمت های گذشته به آنها اشاره نشده است که عبارتند از :

۱- لازم است در وقف قصد خاص وجود داشته باشد تا امر اعتباری تحقق یابد. انشاء این قصد با فعل یا صیغه امکان دارد.

۲- واقف باید موقوفه را در اختیار موقوف علیهم قرار دهد تا وقف به کمال برسد. اگر موقوف علیهم جهات عامه باشد در این شرط اختلاف شده ولی با در اختیار دادن موقوفه به حاکم شرعی

۵. کاتوزیان ، ناصر ، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی ، نشر میزان ، چاپ ۱۴ ، ۱۳۸۵  
۱. عباسی ، محمد ، وقف اموال موسسات خصوصی ، مجله کانون وکلای دادگستری ، ش ۱۷ ، ۱۳۸۷

یا متولی وقف حتما وقف صحیح است. چرا که حاکم شرعی و متولی مسوول شرعی آن هستند.<sup>۱</sup>

۳- در وقف شرط دوام اعتبار دارد.

۴- وقف باید به صورت منجر و قطعی انشاء شود.

۵- در وقف خاص واقف نباید جزو موقوف علیهم قرار گیرد.<sup>۲</sup>

۶- موقوف باید مملوک باشد.

۷- موقوف باید امکان انتفاع از آن با بقاء آن را داشته باشد.<sup>۳</sup>

۸- امکان اقباض موقوف باید وجود داشته باشد.

۹- لازم است مدت بقاء موقوف قابل اعتنا باشد.<sup>۴</sup>

۱۰- منفعت حاصل از آن حلال باشد.

۱۱- متعلق حق غیر نباشد.

۱۲- واقف باید شرایط عمومی بلوغ، عقل، اختیار، حریت و عدم حجر را دارا باشد.<sup>۵</sup>

۱۳- موقوف علیهم باید موجود و دارای اهلیت تملک و معین بوده، و از موارد عدم صرف در

معصیت و کمک به معصیت باشد.

---

۱. حسینی نیک، عباس، مباحث حقوقی لمعه دمشقیه، انتشارات مجد، چاپ ۱، ۱۳۸۸  
۲. صفایی، سید حسین، حقوق اشخاص و اموال، نشر میزان، چاپ ۵، ۱۳۷۷  
۳. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، ج ۲، انتشارات اسماعیلیان، چاپ ۴، ۱۳۷۶  
۴. شهید اول، ابو عبدالله جمال الدین مکی العاملی، اللعه دمشقیه، ج ۸، انتشارات اسلامیة، چاپ ۸، ۱۳۷۹  
۵. حسینی نیک، عباس، مباحث حقوقی لمعه دمشقیه، انتشارات مجد، چاپ ۱، ۱۳۸۸

### گفتار سوم : ماهیت حقوقی و ساختار کلان دانشگاه آزاد اسلامی

در این گفتار مطالب را در دو قسمت بررسی می کنیم. در قسمت اول، ارکان اداره کننده دانشگاه آزاد مورد بررسی قرار گرفته و در قسمت دوم، به موضوع ماهیت حقوقی اموال دانشگاه آزاد پرداخته می شود.

#### الف: ارکان اداره کننده اموال دانشگاه آزاد اسلامی

با توجه به این مطلب که دانشگاه آزاد اسلامی در ماده ۵ اساس نامه<sup>۱</sup>، موسسه ای غیر انتفاعی قلمداد شده است، لذا دارای شخصیت حقوقی است و طبق اصول کلی علم حقوق مجموعه اموال و دارایی ها، به دانشگاه آزاد اسلامی تعلق دارد. بر این اساس، دانشگاه آزاد اسلامی مالک اموال خود است و اداره اموال آن در چارچوب اساس نامه دانشگاه با ارکان دانشگاه است و درآمدهای آن مطابق با اساس نامه باید صرف امور پیش بینی شده بشود<sup>۲</sup>. در اساس نامه قبلی و اصلاحی دانشگاه آزاد، سه رکن برای اداره این موسسه پیش بینی شده است، که عبارتند از: هیات موسس، هیات امناء و رئیس دانشگاه آزاد و برای هر کدام نیز وظایفی پیش بینی شده است که اختصاراً به آن اشاره می شود :

هیأت موسس:<sup>۳</sup>

- ۱- کسب امتیاز تاسیس از وزارت خانه های علوم و بهداشت
- ۲- معرفی اعضای پیش نهادی برای تکمیل هیات موسس
- ۳- ارائه گزارش سالیانه، از نظارت و بازرسی خود به شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱. اساس نامه دانشگاه آزاد اسلامی مصوب ۱۳۶۶

۲. عباسی ، محمد ، وقف اموال موسسات خصوصی ، مجله کانون وکلای دانگستری ، ش ۱۷ ، سال ۱۳۸۷

۳. ماده ۹ اساس نامه دانشگاه آزاد اسلامی مصوب ۱۳۶۶